

یه مرد بود یه مرد



عبدالجواد موسوی

شاعر و روزنامه‌نگار



خوزه آلبرتو موخیکا کوردانو هفته‌پیش درگذشت. ما ایرانی‌ها چیز زیادی از او نمی‌دانیم؛ جز آنکه در دوره‌ای رئیس‌جمهور اروگوئه بود و لقب فقیرترین رئیس‌جمهور دنیا را تا آخر عمر باخودیدک کشید. عکس معروفی هم از او هر چندوقت یک‌بار در فضای مجازی منتشر می‌شد. در کنار فولکس واگن قدیمی‌اش و در حاشیه شهر مونته‌ویدئو، با این تیتراژ: فقیرترین رئیس‌جمهور جهان کیست؟ جمله‌ای مبتذل و حقیرانه تا بهانه‌ای بدهد دست ستایشگران دنیای جنون‌آمیز مصرف‌زدگی، تا بتوانند مدام این جمله را تکرار کنند؛ فقر فضیلت نیست، بر منکرش لعنت. فقر فضیلت نیست اما آنکه از سر اختیارونه اضطرار به یک زندگی حداقلی و شرافتمندانه تن می‌دهد، فقیر نیست بلکه بی‌نیاز است. مستغنی است. این حرف‌ها البته در روزگار ما به‌ویژه در سرزمین ما که خورندگان، برندگان، چرندگان و اهل قدرت، مدام مردم را به‌ساده‌زیستی دعوت می‌کنند، سوءتفاهم ایجاد می‌کند. برگردیم به خوزه آلبرتو موخیکا کوردانو، موخیکا در اروگوئه به دنیا آمد. جوانی اومصادف شد با دخالت‌های آشکار آمریکایی‌ها در سرزمین‌اش و روی کار آمدن نظامیان کودتاگر. او که از ابتدا یک فعال جدی سیاسی بود بعد از شکست در فعالیت‌های مدنی، به یک گروه مبارز مسلح پیوست. بخشی از این مبارزه را می‌توان در فیلم مشهور حکومت نظامی دید و با فضای اروگوئه آن سال‌ها و گروه «توپامارو» آشنا شد؛ گروهی که موخیکا به‌دلیل عضویت در آن بارها دستگیر شد و آخرین بار ۱۲ سال را در زندان‌های مخوف آن روزگار گذراند. بخشی از داستان دوران زندان موخیکا نیز به لطف «الوارو برچتر» در فیلم «ششی دوازده‌ساله» به تصویر کشیده شده است. هر دو فیلم به‌راحتی در دسترس‌اند و می‌توان تا حدودی با این بخش از زندگی موخیکا یعنی با بخش مبارزاتی و تلاش‌های آزادی‌خواهانه او آشنا شد. حسن هردو فیلم در این است که به واقعیت تا حدود زیادی پایبندند و از تخیل و قهرمان‌سازی به دور. از اینجا به‌بعدش را هم اگر کسی علاقه‌مند است، برود سرچ کند و از خلال مصاحبه‌ها و مستندهای تک‌پارچه ویراکنده پیدا کند. موخیکا بعد از آزادی نه به فکر انتقام می‌افتد، نه به جبران آن همه زجر و شکنجه از دیگران طلبکار می‌شود. تمام شکنجه‌گران و زندانبانانش را می‌بخشد و در مقام یک فعال مدنی و سیاسی می‌کوشد تا زندگی بهتری را برای هم‌وطنانش رقم بزند. از نمایندگی کنگره تا رسیدن به وزارت کشاورزی، ماحصل این تلاش‌هاست تا اینکه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۹ به پیروزی می‌رسد. از اینجا به‌بعد است که سبک زندگی ویژه او مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. مردی که تا پایان عمرش از کشاورزی و کتاب خواندن غافل نشد و درک عمیقی از زیستن داشت، به فقیرترین رئیس‌جمهور دنیا مشهور شد؛ لقبی که خودش هیچ‌گاه آن را نپذیرفت. ترجیح می‌دهم به‌جای بازخوانی زندگی او، شما را دعوت کنم به خواندن بخش‌هایی از یک گفت‌وگو؛ گفت‌وگویی که می‌توان از خلال آن به شخصیت این مرد متفاوت نزدیک‌تر شد. روزگار ما به افرادی چون او سخت محتاج است. افرادی که بهنگام در مقابل ظلم می‌ایستند و بهنگام به رأی مردم گردن می‌نهند. افرادی که خوشی و سعادت را در کاخ‌های بی‌شمار و شغارهای پوچ و مهمل نمی‌بینند و با همه وجود به زندگی و مردم خوش‌عشق می‌ورزند.

► **شما خوشبختی را در زندگی با چیزهای خیلی کمی پیدا کردید.**

با زندگی هوشمندانه، زیرا هر چه بیشتر داشته باشید، کمتر سعادت‌مند هستید

► **اما به نظر می‌رسد جهان در جهت مخالف حرکت می‌کند**

جهان به سمت مصرف‌گرایی افراطی حرکت می‌کند، زیرا توسط یک قانون اداره می‌شود: افزایش مصرف مردم، زیرا این چیزی است که انباشت را تضمین می‌کند. این را بخیر، آن را بخیر، ما به‌بیماران می‌شویم. بازاریابی یک سیستم است. بر شما مسلط می‌شود. این را بخیر، آن را بخیر. این زندگی نیست.

► **پس زندگی کردن چیست؟**

زندگی کردن یعنی عشق ورزیدن. یعنی لذت بردن از وقت گذراندن با کسی دیگر. وقتی پیر هستید، زندگی کردن یعنی ورق بازی کردن با دوستان، تقسیم خاطره‌ها. در هر سنی، احساسات مختلفی وجود دارد. وقتی جوان هستید، عشق اشتیاق است. وقتی پیر هستید، عادت شیرینی است. اما همه‌ی این‌ها زمان می‌برد؛ باید آن را پرورش دهید. رابطه با فرزندان تا ن زمان می‌برد. چیزی که یک کودک بیش از همه به آن نیاز دارد، محبت است؛ اما برای آن وقت نداریم. من از نظر فلسفی، روانی هستم. تعریف من می‌تواند این‌سنگ باشد: «کسی که خیلی کم‌دارد فقیر نیست، بلکه فقیر کسی است که بیشتر می‌خواهد.» یا براساس تعریف مردم ایمازا [بخشی از بومیان آمریکای لاتین]. آیا می‌دانید یک فرد فقیر برای ایمازا چه کسی است؟ کسی که هیچ باهمستانی [اجتماعی] ندارد؛ کسی که تنهاست.

► **وقتی به تنهایی فکر می‌کنیم، تصویری به ذهن‌مان خطور می‌کند؛ سال‌های اسارت در یک سلول کوچک، جایی که هفته‌ها در سلول انفرادی نگه‌داشته می‌شدید. یاد گرفتم کیلومترها در درون خودم راه بروم.**

۲۴ ساعت

24 HOURS



hammihanmedia@gmail.com



@Hammihanonline

- صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: همیهین • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: ایران

منطقه ممنوعه

بررسی لغو دوباره یک مسابقه بین‌المللی فوتبال در ورزشگاه امام رضای شهر مشهد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌مهین

فدراسیون فوتبال عربستان در اندیشه تاسیس هفتمین ورزشگاه مدرن و پنج‌ستاره است اما فوتبال ایران همچنان درگیر موضوعی است که یک مسابقه در قامت ملی و انتخابی جام‌جهانی را در کدام ورزشگاه برگزار کند که مشکلی به‌وجود نیابد. در حالی که قرار بود مسابقه نه‌چندان حساس تیم ملی ایران و کره‌شمالی در ورزشگاه امام رضا مشهد برگزار شود، فدراسیون فوتبال روز گذشته با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد، به‌دلیل فراهم نشدن برخی مسائل و زیرساخت‌های نه‌چندان مناسب، این مسابقه در مشهد برگزار نمی‌شود و طبق انتظار، در ورزشگاه مخروطی آزادی در همان تاریخ برگزار می‌شود. البته محدودیت در پروازها نیز علت دیگری است که از سوی فدراسیون فوتبال اعلام شده که قابل بررسی است: «به‌دلیل محدودیت‌ها در پرواز مضاعف تیم مهمان از جده به ترکیه، سپس ایران و مسیر برگشت، همچنین تامین به‌هنگام برخی از سخت‌افزارهای مدنظر فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا، با عنایت به استقبال گسترده مردمی برای برگزاری دیدار تیم‌های ملی ایران و کره‌شمالی در ارزبایی‌های نهایی، این بازی در شهر تهران برگزار خواهد شد.» پیش‌تر نیز قابل‌پیش‌بینی بود که احتمال برگزاری یک مسابقه فوتبال به‌صورت رسمی در ورزشگاه امام رضا مشهد با چالش‌های زیادی روبه‌رو می‌شود. در این گزارش قصد داریم در این باره بنویسیم که چرا ورزشگاه پنج‌ستاره‌ای که در شهر مشهد ساخته شده، بلااستفاده مانده و اجازه برگزاری یک مسابقه رسمی فوتبال هم در آن داده نمی‌شود.

درخواست ۵/۵ میلیاردی آستان قدس!

شاید یکی از دلایلی که باعث شد دیدار نه‌چندان حساس تیم ملی فوتبال ایران با کره‌شمالی از مشهد به تهران بیاید، هزینه اجاره سنگین این ورزشگاه فقط برای ۲۴ ساعت بود. آستان قدس رضوی به فدراسیون فوتبال اطلاع داده بود که بابت اجاره یک مسابقه، باید مبلغ ۵/۵ میلیارد تومان پرداخت کنند. موضوعی که با توجه به شرایط اقتصادی جامعه و البته چالش‌های فدراسیون فوتبال در پرداخت هزینه‌ها، طبعاً امکان‌پذیر نبود. مبلغ ۵/۵ میلیارد بابت اجاره ۲۴ ساعته این ورزشگاه را نیز معاون امنیتی انتظامی استانداری خراسان رضوی تأیید کرده است و موضوعی نیست که مسئولی بخواهد آن را رد کند. در روزهایی که ورزشگاه آزادی در دسترس نبود و عملاً ایران هیچ ورزشگاه مدرنی را در اختیار نداشت، بازهم اجازه برگزاری مسابقات بین‌المللی فوتبال در ورزشگاه امام رضا شهر مشهد داده نمی‌شد. این در حالی است که با انتشار برخی تصاویر در رسانه‌های مجازی، چند تیم افغانستانی با اجازه کردن در ورزشگاه امام رضا در حال بازی کردن بودند. تأکید روی ملیت این افراد نیست بلکه نقد به مسئولانی است که اجازه برگزاری مسابقات ملی در این ورزشگاه را نمی‌دهند اما افراد غیرایرانی می‌توانند و این اجازه را دارند که در ورزشگاه امام رضا تمرین و بازی کنند. گفتنی است مبلغ یک میلیارد تومان نیز بابت نصب دستگاه ۷۸۲ در ورزشگاه است و ۵۰۰ میلیون تومان هم اجاره زمین، اما آستان قدس علاوه بر این، مبلغ ۱/۵ میلیارد تومانی که هزینه جانبی محسوب می‌شود، مبلغ چهار میلیارد دیگر درخواست کرده که سرجمع به ۵/۵ میلیارد تومان بابت یک مسابقه بین‌المللی خواهد رسید. یکی از مسئولان مجموعه ورزشی امام‌رضا اعلام کرده که چون این ورزشگاه ۲۴ ساعته در اختیار فدراسیون فوتبال قرار می‌گیرد، آنها نمی‌توانند از استخر و سالن‌های دیگر درآمد داشته باشند؛ به همین دلیل باید مبلغ قابل‌توجهی را دریافت کنند. نکته مهم اما این است که مجموعه ورزشی امام رضا، روزانه درآمد ۵/۵ میلیارد تومانی ندارد که چنین مبلغی از فدراسیون فوتبال طلب شده است.

تخفیفی که قابل قبول نبود

مسئولان امنیتی انتظامی استانداری در خراسان رضوی، اما دیدگاه دیگری دارند و لغو مسابقه در مشهد را گردن فدراسیون فوتبال انداخته‌اند. برای اینکه یک‌طرفه به قاضی نرفته باشیم، بخشی از صحبت‌های معاون امنیتی انتظامی استانداری خراسان رضوی را مرور می‌کنیم: «فدراسیون فوتبال، پروازهای متعدد، همچنین عدم وجود برخی زیرساخت‌ها را به‌عنوان مشکل میزبانی مشهد در دیدار ایران و کره‌شمالی بیان کردند، در صورتی که موارد بیان‌شده از قبل قابل‌پیش‌بینی و رفع بود و کاملاً مشخص بود، فدراسیون دیگر تمایلی به برگزاری این دیدار در مشهد ندارد. در خصوص مسائل مالی میزبانی از این دیدار نیز آستان قدس رضوی، همه همراهی خود را با فدراسیون فوتبال انجام داد و اعلام کرد، حاضر است با تخفیف ۴۰ درصدی هزینه مجموعه را از ۵۵ میلیارد ریال به ۳۵ میلیارد ریال کاهش دهد، اما گویا آقایان در فدراسیون نمی‌خواستند سختی راه سفر به مشهد را به جان بخرند و مدام بهانه‌تراشی می‌کردند.» طبعاً پرداخت مبلغ ۳/۵ میلیارد تومان هم بابت یک مسابقه ملی، قابل‌قبول نبود که فدراسیون فوتبال زیر بار آن برود. تیم ملی می‌توانست با برگزاری یک مسابقه به پادماندن، خاطرات تلخ دیدار ایران و لبنان را در مشهد از بین ببرد اما متأسفانه با همراهی نکردن برخی افراد در این زمینه، مسابقه بار دیگر به تهران منتقل شد.

مشکل حضور زنان حل شده بود؟

برخی مسئولان استانی می‌گویند، برای اینکه فیفا بار دیگر فوتبال ایران را با خطر محرومیت و تعلیق روبه‌رو نکند، مسئولان استانی راضی شده بودند که این مسابقه با حضور اندک تماشاگران زن در بخشی از ورزشگاه، برگزار شود. البته موضوعی که به‌صورت رسمی از سوی آستان قدس اعلام و تأیید نشد، اما احتمالاً به‌هم به‌صورت گزینشی، به افرادی در جایگاه مخصوص زنان، اجازه ورود می‌دادند تا به فیفا بگویند، مشکلی در این زمینه وجود ندارد. با این حال اصلاً این مسابقه در شهر مشهد برگزار نشد که در این بخش حقیقت ماجرا روشن شود. امیرالله شمقدری، معاون امنیتی انتظامی استانداری خراسان رضوی در جمع خبرنگاران تأکید داشت، مشکلات زیرساختی‌ای که از سوی فدراسیون فوتبال عنوان شده بود، طی روزهای آتی قابل حل بوده است. احتمالاً اشاره معاون امنیتی انتظامی خراسان رضوی، به حضور زنان در ورزشگاه برمی‌گردد که تا این لحظه مجوزش صادر نشده بود. فیفا تأکید ویژه کرده بود که اگر در یک مسابقه ملی، زنان حضور نداشته باشند، فوتبال ایران با خطر تعلیق روبه‌رو خواهد شد.

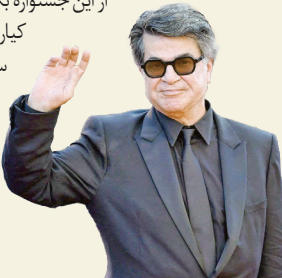
ورزشگاه مخروطی آزادی

بارگشت این مسابقه به ورزشگاه آزادی هم می‌تواند حواشی خاص خودش را داشته باشد. باتوجه به اینکه تقابل ایران و کره‌شمالی فارغ از اهمیت‌اش، یک دیدار بین‌المللی در راستای رسیدن به جام جهانی است (هر چند صعود ایران از مدت‌ها قبل قطعی شده)، اما بازتاب زیادی در رسانه‌های دنیا خواهد داشت. ورزشگاه آزادی که در بدو تاسیس، گنجایش ۱۰۰ هزار نفر را داشت، الان بعد از گذشت سه‌سال از بازسازی و البته یک‌سال‌ونیم از آغاز شبانه‌روزی تعمیرات جدی، گنجایش‌اش به کمتر از ۲۵ هزار نفر رسیده است. مشخص نیست بعد از این همه مدت چرا بازسازی این ورزشگاه به پایان نمی‌رسد تا تماشاگران علاقه‌مند به فوتبال بتوانند با حضور حداکثری، بار دیگر تیم‌ها و بازیکنان مورد علاقه خودشان را تشویق کنند. این دیدار که آخرین دیدار تیم ملی در ورزشگاه خاکنی در دور انتخابی جام جهانی بود، می‌توانست تبلیغ بسیار جذابی از حضور زنان و مردان در یک ورزشگاه مدرن پنج‌ستاره داشته باشد که با بی‌تدبیری برخی، این اتفاق رخ نداد و حالا بازیکنان ایران و کره‌شمالی باید در ورزشگاهی بازی کنند که شباهت به مهره تاریخی دارد، جز ورزشگاه فوتبال بازسازی‌شده.

چهره

نخل طلا برای جعفر پناهی

شب گذشته در اختتامیه جشنواره فیلم کن، نخل طلا که بالاترین جایزه این جشنواره است به جعفر پناهی برای فیلم «یک تصادف ساده» رسید. این دومین بار است که در تاریخ برگزاری این جشنواره نخل طلا به یک کارگردان ایرانی می‌رسد. سال ۱۹۹۵ عباس کیارستمی برای فیلم «طعم گیلاس» برنده این جایزه شد. پناهی که در سال‌های اخیر در ایران ممنوع‌الفعالیت بوده و فیلم‌هایش بدون مجوزهای مرسوم ساخته شده است. امسال او با فیلم «یک تصادف ساده» در کن حضور پیدا کرد و هیات داوران به ریاست ژولیت بینوش تصمیم گرفتند که این جایزه جهانی را به پناهی بدهند. او پیش از این در سال ۲۰۱۸ هم توانسته بود نخل طلای بهترین فیلم‌نامه را برای فیلم «سرخ» و در سال ۱۹۹۵، جایزه دوربین طلایی را برای فیلم «بادکنک سفید» از این جشنواره بگیرد. پناهی سینما را با دستیاری کیارستمی آغاز کرد و حالا پس از ۳۰ سال در جایگاهی قرار گرفت که او روزی به آن رسیده بود. حالا باید منتظر ماند و فیلم‌پناهی را دید تا ببینیم کن سیاست‌زده شده یا جنس سینمای پناهی عوض شده است.



کتابخانه

بازخوانی ایده ایران در سال‌های بحران

کتاب «کشف ایران» با زیرعنوان «تقی ارانی و جهان‌وطن‌گرایی رادیکال او»، به نویسندگی علی میرسپاسی و ترجمه رامین کریمیان منتشر شد. این کتاب که شش فصل و یک نتیجه‌گیری دارد، به بررسی جنبش فکری روشنفکران ایرانی پس از جنگ جهانی اول می‌پردازد که در مواجهه با بحران هویت و فروپاشی سیاسی، به‌دنبال ارائه شناختی نوین از «ایده ایران» بودند. این حرکت فکری که از محفل روشنفکران ایرانی در برلین، از جمله سیدحسین تقی‌زاده و تقی ارانی آغاز شد، به بازتعریف ایران در جهان مدرن می‌پرداخت. کتاب به‌طور خاص بر اندیشه‌های تقی ارانی تمرکز دارد که از ملی‌گرایی اولیه به نگرشی علمی و ماتریالیستی رسید. او با تکیه بر حکومت قانون و ناسیونالیسم مدنی، به‌دنبال ساختن ایرانی توسعه‌یافته و امروزی بود و تلاش کرد تا از طریق نشریه «دنیا»، گفتگمانی خردمندانه و جهان‌گرا برای آینده ایران ترسیم کند. کتاب «کشف ایران» در ۲۸۴ صفحه و با قیمت ۳۵۰ هزار تومان، روی پیش‌خوان کتابفروشی‌ها قرار گرفته است.



نام کتاب: کشف ایران

نویسنده: علی

میرسپاسی

مترجم: رامین کریمیان

نشر: نی

تاریخ

روز دزفول



۴۰هزار روز دزفول، مقاومت و پایداری

در هفتمین سال جنگ و به‌مناسبت پنجمین سال آزادسازی خرمشهر، به پیشنهاد دولت‌وقت تحقیقی برای معرفی شهر نمونه مقاومت صورت گرفت و در چهارم خردادماه ۱۳۶۶، دزفول به‌عنوان شهر

نمونه مقاومت کشور معرفی شد. به همین مناسبت در سال ۱۳۹۸ نیز شورای فرهنگ عمومی کشور، روز چهارم خردادماه را به‌نام روز دزفول نام‌گذاری کرد. در آغاز جنگ ایران و عراق دزفول مورد تهاجم همه‌جانبه‌ای قرار گرفت. با این همه مردم دزفول در برابر تخلیه شهر، مقاومت می‌کردند و منازل خود را به استراحت رزمندگان اختصاص داده بودند. نماز جمعه دزفول هم هر هفته اقامه می‌شد. در طول جنگ تحمیلی، دزفول ۲۶۱۰ شهید تقدیم وطن کرد و بالاترین تعداد شهدای موشکی جنگ را داشت؛ به‌نحوی که به‌دلیل تحمل بیش از ۱۷۶ موشک، ۲۵۰۰ گلوله توپ و ۳۳۱ حمله هوایی، به «پایتخت مقاومت ایران» شهرت یافت. عراقی‌ها دو لشکر از شش لشکر خود را مامور فتح دزفول کرده بودند و اگر مقاومت دزفول نبود، خوزستان سقوط می‌کرد و آزادسازی خرمشهر بسیار دشوار می‌شد. به همین دلیل امام خمینی در پیامی به مردم دزفول گفتند: شما دین خود را به اسلام ادا کردید.